

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۶ جون ۲۰۱۵

مجلس بیست ونهم (در عدم تواضع به توانگران به خاطر ثروتشان)

شیخ عبدالقادر (رضی الله عنه) روز یازدهم جماد الاخر سال ۵۴۵ هجری قمری در مدرسه چنین فرمودند:
پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «مَنْ تَزَعَّرَ لِعَنِّي طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ ذَهَبٌ ثَلَاثًا دِينَهٍ» - (هرکس توانگری رابه طمع مالی که دارد، کرنش کرد دوثلث دینش را از دست داده است). ای منافقین بشنوید این گفتار را، چگونه کسی که در برابر اغنیاء وبخاطر ثروتشان برپای میخیزد و کرنش می کند، انتظار دارد که نماز و روزه و حجش مورد قبول واقع شود؟ ای مشرکین بخدا، شما از (مقام) خدا و رسولش خبر ندارید، تسلیم شوید و توبه کنید، و در توبه اخلاص نشان دهید، تا ایمانتان از این بیماری نجات یابد، و یقین و توحیدتان رشد نماید، بطوریکه شاخه های آن به عرش برسد.

(یا غلام) هرگاه در پرورش ایمانت سعی نمودی و درخت ایمانت رشد کرد، خدای عزوجل، از خلقت بی نیاز می کند. و در کسب و کار بی نیاز و غنای نفس رابتو عنایت می فرماید، و به یاد قرب خویش توانگرت می کند. دیگر به کسانیکه دنیا مبالغت دارند نمی نگری، و دیدارشان برایت ناخوشایند می شود.

ای کسیکه مدعی دارا بودن علم و دانشی، چرا در برابر ارباب زر، خود را خوار و ذلیل می نمائی، و از ایشان متوقع عطا و بخشش؟! خداوند ترا بوسیله همان علمت!! گمراه نموده است و برکت آن تباہ گردیده، مغزش از دست رفته و تنها پوستش باقی مانده است.

ای کسیکه مدعی عبادت حقی، و قلبت بنده مخلوق است، و بیم و امیدت از آنان است، بدان که ظاهر عبادت برای خداست و باطنش برای خلق خدا. تمام هم و غم تو برای کسب درهم و دینار و ثروتی است که در دست مردم است. و خود را نیازمند ستایش دیگران میدانی، از بدگوئییشان بیم داری، از اینکه از دارائیشان منعت کنند میترسی، و به عطایشان دل بسته ای. به هر حیل و نیرنگی به درگاهشان راه می یابی، و با زبان تملق با ایشان سخن می گوئی!!

وای بر تو! تو مشرکی، منافقی، زندیقی، متاع ناروای خود را به که عرضه می کنی؟ به کسیکه «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» .. وای بر تو! به نماز می ایستی و به زبان الله اکبر می گوئی و به دل تکذیب می کنی، مردم در دل تواز خدا بزرگترند، توبه کن، بخدا برگرد، و هیچ عملی راجز برای رضای او انجام مده، فقط رضای خدا را منظور نظر داشته باش، نه دنیا (واهل آن را)، از کسانى باش که در آرزوی لقای خدایند. حق بندگی ذات الله را بجای آور، و در بند قَدْح و مدح دیگران مباش، و به منع و عطایشان بی توجه باش.

وای بر تو! روزیت کم و زیاد نمی شود، هرچه از نیکه و بدبرایت مقرر شده باشد، بتو خواهد رسید. بچیزی مشغول مشو که از یاد خدایت باز دارد. میزان حرص و آرزویت را کاهش ده، مرگ را پیش چشم مجسم نما، و به اجرای او امر و نواهی شرع بپرداز، تا کامیاب شوی.

(یاقوم) آیانزدشماچیزی از متابعت شریعت باقی مانده است، روز به روز موجبات عذاب خدای رادردنیا برای خویش فراهم می‌کنید، تا اینکه در روز قیامت نیز عذابش از هر جهت بر شما نازل شود، زمان مرگ و نزول به قبر را به خاطر آورید، از تنگناهای آن بیندیشید، و به عذاب آن فکر کنید. روزی رادرخاطر آورید که از قبر خارج خواهید شد و برای حساب در پیشگاه حق حاضر می‌شوید، بدانید که در آن روز به تمام اعمالتان و رفتارتان، از کم و زیاد، حتی ذره‌ای، رسیدگی می‌شود، و هر کس بمقتضای اعمالش اجر خواهد گرفت.

اماتوای کسیکه در خواب غفلت بودی، بسان بت بی جانی هستی، یا پوست خشک شده‌ای، بدون توان و نیرو، که جز برای آتش و سوختن بدر چیز دیگری نمی‌خوری. عبادتت بدون اخلاص و بدون روح است، لذا هم خود و هم عبادتت سزاوار آتشید. هرگاه در عبادت اخلاص وجود نداشته باشد، عبادت همانا زحمت است زحمتی بیهوده و بی نتیجه. تو مصداق بارز «**عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ**» هستی، بدین معنی که در دنیا رنج کشیده و عبادت انجام داده‌ای، لیکن بدون اخلاص، پس در دنیا رنج و زحمت آنرا پذیرفته‌ای، منتهی در آخرت جزایش آتش است. چاره کار در آنست که هر چه زودتر توبه کنی و بخدا بازگردی، و پیش از آنکه مرگ دامنگیرت شود، عذر تقصیرات را به پیشگاه ذات اقدس حق تعالی تقدیم داری.

بخدای بازگرد، و این بازگشت را با تجدید نظر در سلامت، و حسن توبه، و اخلاص کامل، و پیش از فرارسیدن مرگ، و پیش از زمانی که تمام درها برویت بسته شود، و توان ورود به باب توبه از تو سلب گردد، آغاز کن. بادل و جان بسوی خدا بشتاب، تا در فضل و رحمتش برویت بسته نشود، و ترا بخود وانگذارد، و بمال و ثروت خود متوکلت نکند. بدان که در اینچنین حالی، آنچه را که در اختیار داری، برایت نامبارک و زشت خواهد بود.

وای بر تو! از خدای عزوجل شرم نمی‌کنی، دینار و درهمت را خدای خود قرار داده‌ای، و بکلی از خدا بیخبر شده. بزودی آثار این اعمال را خواهی دید.

وای بر تو! محل کار و کسب خود را به امر شرع مخصوص زندگی زن و فرزند گردان، اما قلیبت بخدا متوکل و متوجه باشد. با کار و فعالیت رزق خود و عائله ات را تأمین نما، اما آنچه را که بدست می‌آوری از خدا بدان، نه از محل کسب و فعالیت خویش، زیرا رزق تو و سایر موجودات همه درید قدرت حق قرار دارد. فضل و عنایت خدای ارحم الراحمین، و بدینوسیله از تمام دنیا استغناء حاصل کن. اماتوئی که تمام عمرت را در شرک گذرانیده‌ای، و به هیچ وجه از دنیا و جمع آن سیر نمی‌شوی، چگونه بدین مرتبه میرسی؟ در ریچه قلبت را بر روی غیر خدا ببند، و از مخلوق قطع امید نما، ذکر و یاد حق رادران جای ده، و از اعماق جان و دل توبه کن، و به اعمال نیکو پرداز، از سوء ادب و گستاخی خودندام و پیشمان شو، و بر غفلت و نسیانی که دچارش بودی، بادیده دل گریه کن. درویشان را بخود برابر بدان، مال و دارائی خود را از فقرا و نیازمندان دریغ مدار. بدان که بزودی با مال و مکننت خود وداع خواهی کرد. مومنی که به آخرت ایمان یقینی دارد، در دنیا و قیامت بخیل و ممسک نیست. از حضرت عیسی علیه السلام، روایت می‌کنند که فرمود به ابلیس، از مردمان چه کسی نزد تو عزیزتر است؟ گفت: مومن بخیل! باز پرسید، چه کسی را بیشتر دشمن میداری؟ گفت فاسق بخشنده را، سپس پرسید علت آنها را بر این بازگو کن، گفت: برای اینکه امیدوارم که مومن بخیل بعلت بخلش دچار گناه و معصیت شود. ولی میترسیم که فاسق بخشنده بجهت سخاوتش، خداوند تمام گناهانش را ببخشد.

بقدر نیازی دنیا مشغول شو، شریعت کار و کسب را ازینجهت مباح گردانیده است که از آن برای انجام طاعات و عبادات کمک بگیری، اما تو بر عکس، از کار و کسب در جهت کمک به معصیت استفاده می‌کنی. نماز را ترک می‌کنی، اعمال خیر انجام نمی‌دهی، زکات شرعی را پرداخت نمی‌نمائی، پس در گرداب معصیت قرار گرفته‌ای، و کار کسب در حکم راهزنی است. بزودی مرگ بسراغت می‌آید، و بدان که بهنگام مرگ، کافر و منافق، غمگین، و مومن شادمان است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده است: «**إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ مِنْ يَمَنِي أَنَّهُ مَكَانٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا سَاعَةَ لِمَا يَرَى مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَهُ**».

کجاست کسیکه بر توبه اش پایدار باشد؟ کجاست کسیکه از خدای خود شرم داشته باشد، و در تمام احوال بباد اوباشد؟ کجاست آنکه در ظاهر و باطن عقیق و پاکدامن باشد؟ کجاست آنکه ظاهراً و باطناً از نظر حرام چشم بپوشد؟ «ان العینین لیزنیان وزنا همالنظر الی المحرمات» همانا چشمان زنا میکنند و زنان آنها نظر حرام است، چه بسیارند که بانظر حرام به زنان و پسران دچار زنا شده اند آیا قول خدایتشندیده ای که فرموده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِینِ یُعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (بگوبه مومنین که چشمهای خود را از دیدن نامحرم بپوشند. سوره نور آیه ۳۰).

ای درویش بر فقر دنیا صبور باش، زیرا فقر دنیا بزودی به پایان میرسد، پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) به حضرت عائشه ام المومنین (رحمت خدا بر او باد) فرمود: «يَا عَائِشَةُ تَجَرَّعِي مِرَاةَ الدُّنْيَا لِنَعِيمِ الْآخِرَةِ» (ای عائشه تلخی دنیا را به امید نعمت های آخرت بمن بچشان).

تونمیدانی در میان قوم چه عنوانی داری، آیشقی هستی یاسعید؟ مسلماً این امر در اختیار خدای عزوجل است. اماتو خوف را از دل مران، که مبدا موجب شود از حدود شرع خارج گردی. کوشش کن تا بداند چه به انجام آن مأموری مبادرت نمائی، چون عاقبت اندیشی از جمله علوم غیبیه است، و کسی را بر آن اطلاعی نیست. قوم — راستان — رخت دنیا را در هم نوردیده اند، و در پیشگاه مولا بخدمت مشغولند، زاد دنیا را ضرورتاً کسب می کنند، و باقلب و نیت پاک بعبادت سرگرمند، از کید و مکر شیطان نفس درامانند، از ارتکاب هر عمل خلاف عفتی بدورند، اوامر خدای تبارک و تعالی را اجابت می نمایند، از سنت رسول صلی الله علیه و علی آله، تبعیت می کنند، تمام هم و غمشان پیروی اوامر حق و اتباع سنت رسول است، در حال قدرت و توانائی از تمام مسائل دنیوی کناره گیری می نمایند.

بار خدایا، ما را از جمله آنان بگردان و از برکتشان بهره مندمان فرما. آمین

(یا غلام) تازمانیکه حب و دوستی دنیا در دلت جای گرفته است، مپندار که چیزی از احوال صلحا را مشاهده کنی. تا وقتیکه دست نیازت بسوی خلق دراز است و به آنها متوکل، دیده باطنت بینا نخواهد شد. مادامیکه از دنیا و خلق آن قطع علاقه نکنی، بجائی نمیرسی. کوشاباش، مجاهدباش، تا تونیز آنچه را که دیگران می بینند، ببینی. هرگاه آنچه را که بدن مشغولی، و بحساب خویش منظور کرده ای، به ترک آن مبادرت نمودی، آنچه را که تصور آنرا نمی کردی به حسابت واریز خواهند کرد. هرگاه به حق اعتماد کردی، و در ظاهر و باطن از او شرم داشتی، از جائی بتو نفع می رساند که تصور آنرا نمی کنی، تو علاقه به دنیا را ترک کن خدا به تو خواهد بخشید. از خود زاهد شو، خدامقربیت می گرداند. ابتداء ترک دنیا از تو، سپس گرفتن پاداش از خدا. اولین وظیفه قلب ترک شهوات دنیاست، و در آخر استفاده از نتایج آن، و این — استفاده — اول برای متقین ممکن است و بعد برای ابدال که بطاعت حق واصل شده اند.

ای ریاکار منافق، مزاحم آنان — قوم راستان — مشو، توجه در دست داری که می خواهی مقامات آنها را درک کنی؟ آنان خرق عادت کرده و تودربند عادتت. پس خرق عادتت برایشان ممکن است و برای تو ناممکن. از خواب غفلت بیدار شو، از شکم بارگی خودداری نما، و از آسودگی کاذبی که برای خود ساخته ای بدور شو، خوف خدا را در دل جای ده و برای رضای اوبکوش. مردان خدابگاهی که تو میخوری، روزه اند، وقتیکه تو آرامیده ای، از خدا ترسانند، و وقتی تو بخل می ورزی، آنان به بذل و بخشش می پردازند. اعمال آنان

برای خداست و عمل تو برای خلق خدا، آنان خدارا منظور نظر دارند، و تو غیر خدارا، ایشان خود را به خدا تسلیم نموده اند، و تو با خدای در حال جنگ و ستیزی، آنان زبان را از شکوه و شکایت فرو بسته اند، ولی تو از خدا به خلق شکایت می کنی، و آنان بر تلخیها صبر و بردباری دارند، تا سرانجام از حلاوت و شیرینی آن کامیاب شوند، تیغ قضا و قدر بدنهایشان را پاره پاره کرده، ولی بدان اهمیتی نمی دهند و احساس رنج نمی کنند، مردم نیز از برکت وجودشان احساس آرامش و راحتی می کنند، چون آزارشان به احدی نمی رسد.

گفته شده است که ابرار و نیکو کاران، آزارشان حتی بمورچه ای هم نمیرسد. باطاعات و عبادت خالصانه، باحق رابطه دارند و بامهر و محبت بامردم، و بازن و فرزند خویش باصفا و صمیمیت رفتاری کنند. نعمتهای دوجاهانی نصیب و بهره ایشان است، در دنیا نعمت قرب حق، و در آخرت نعمت جنت و لقاء الله عزوجل به آنان نزدیک شو، گفتار ایشان را گوش هوش فراده، و به لباس آنان ملبس شو.

از گناهانت توبه کن، و از وقاحت و جسارت بر ارتکاب سیئات بازگرد. وای بر تو، خدای عزوجل به شرم و حیا سزاوارتر است تا بندگان او، زیرا هموست که خالق کائنات است. اما تو از قدیم ازلی شرم نداری، و از مردم حادث حیا می کنی!!
خدا کریم است، و غیر او لئیم، او غنی و توانگراست، و غیر او فقیر و محتاج، عادت او عطا و بخشش است، و روش غیر او بخل. برگرد و نیازهای خود را در پیشگاه او عرضه کن، و بر آورد آنها را از او بخواه. او از هر کسی به عطا و بخشش سزاوارتر است. باتقوی باش و حدود شرع را رعایت کن، چه هرگاه بر تقوی مداومت کردی بخدا نزدیک میشوی، و از خلق و مصنوع دور می گردی. به دنیا زیاد اعتناء مکن، چون هر آنچه که قسمت و بهره تو باشد، بدون کم و زیاد نصیبت خواهد شد.

اگر غیر خدا را از دل بدر کردی، تیرگیهای آن زوده می شود. اگر قلبت صاف و پاک نباشد، بخدایت نخواهد رساند، و در آن صورت بسان حیوانی خواهی بود بدون عقل. از دنیا دوستی دست بردار، و بخدمت عاقلانی حاضر شو که ترا بخواهد هدایت می کنند، از ایشان علم و عقل و خودشناسی و خداشناسی بیاموز.

وای بر تو! همانگونه که روزی ترا غیر از تونمی تواند بخورد، جای ت را در بهشت یادوزخ کسی نمی تواند اشغال کند. بدرستی غفلت و هوای نفس بر تو غالب شده اند، تمام هم و غمت، خوردن و نوشیدن و ازدواج و خواب و راحت است. و کوشش برای رسیدن به مقاصد مادی. همینکه از حلال یا حرام که برایت فرقی ندارد سیر خوردی و به حد اشباع رسیدی، متوجه کفار و منافقین میشوی، و در قلبت اثری از دین باقی نمی ماند.

ای مسکین بر خود بگری، نه بر دیگران، اگر فرزندی از توفوت شود قیامتی برپا می کنی، اما دینت را هلاک کردی و قطره ای اشک بر آن نمی ریزی. فرشتگان نهگبان بر تو، زیان و خسران دینی ت را می بینند، تو عقل و شعور نداری، و گرنه برای از دست رفتن دینت گریه می کردی. تو سرمایه و سود را هر دو از دست داده ای، عقل و حیا سرمایه، و اعمال نیکو سود آنست. علمی که بدان عمل نشود، و عقلی که از آن بهره نگیرند، و حیاتی که مفید نباشد، مانند خان ای است که قابل سکنی نباشد، یا مثل گنجینه ای است پنهان که کسی از آن بهره مند نشود، یا خوراکی که مورد استفاده قرار نگیرد.

هرگاه تو خود ندانی که در چه حالی هستی، بدان که من میدانم. آینه شرع که صادرکننده حکم ظاهراست، در دست من است، و آینه معرفت الله را که باطن را روشنگر است، در دست دارم.

از خواب غفلت بیدار شو، و چهره ات را با آب هوشیاری بشوی، آنگاه در خود بنگر که آیا کافری یا مسلمان؟ مؤمنی یا منافق؟ موحدی یا مشرک؟ ریاکاری یا مخلص؟ موافقی یا مخالف؟ راضی هستی یا ناراضی؟ خدای متعال از رضایت یا عدم رضایتت باکی ندارد، سود و زیان اعمال فقط بخودت برمی گردد. تمام کائنات در تحت لطف و فضل خدای سبحان کریم حلیم، قرار دارد. اگر با دیده عنایت به مانند گرد هلاک خواهیم شد. اگر نسبت به اعمالمان مقابله به مثل کند، عموماً هلاک می شویم.

(یا غلام) از این جهت بر خدای منت می نهی که عبادت توأم باریا و نفاق و سهو انجام می دهی؟ با این فساد مزاحم صلحا هم می شود و انتظار کرامت هم داری؟ و مدعی معرفت آنی. ای فراری، ای خارج شده از دایره دین و جاده مخلصین و موحدین امت، وای بر تو! بر خود بگری، تا بتوبه بگردی، بر مصیبت خویش بنشین و لباس عزای ببوش، تا دیگران هم در این عزا با تو مشارکت کنند. تو از رحمت حق محجوبی و خود خیر نداری. یکی از صالحین رحمت خدا بر او باد، گفته است: وای بحال کسانی که از رحمت خدای محجوبند و خود آگاه نیستند.

وای برتو! این دل چیست؟ تعقل و تفکر در چه موردی است؟ به چه کسی شکایت می بری؟ از چه کسی فریادرسی می خواهی؟ تابکی در خوابی؟ وقتی در رنجی واقع شدی به که اطمینان داری؟ برایم بگو، من از دروغ و نفاق تو و دیگران آگاهم. تو دارای صدق و ایمان و توحید نیستی، بسان تراشه چوبه که جز برای سوختن مصرف دیگری ندارد.

(یا قوم) دنیا می گذرد، و عمر سپری می شود، و آخرت نزدیک می گردد، از فعالیت شما صرفاً برای دنیا و جمع زخارف آنست، نه برای آخرت شما دشمنان نعمتهای خدائید، هرگاه شری دامنگیرتان شود فوراً اظهارش می کنید، و اگر به خیری نایل آمدید، کتمان خواهید کرد. شما نعم الهی را کتمان می کنید و شکر آنها را بجای نمی آورید، لذا خداوند متعال نیز آنها را از شما ناسپاسان- سلب می کند.

پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «إِذَا نَعِمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ»- (هرگاه خداوند عزوجل نعمتی به بنده اش عطا فرموده، دوست دارد آنرا نزد او مشاهده کند).

قوم - راستان- فقط یک هدف دارند، و آن اخراج تمامی اشیاء از دل، و جاگزین کردن یک محبت واحد بجای آنهاست. عبادت خویش را از ریا پاک کرده اند، برای شهرت و آوازه عبادت نمی کنند. خود را عبد الخالق میدانند، نه عبد ریا و نفاق، عبد مخلوق و حظوظ نفسانی نیستند. البته اینگونه عبودیت خالص و بی شائبه هنگامی تحقق می یابد، که مقرر به توفیق الهی باشد.

بعضی از افراد، دنیا پرستند، آنرا دوست دارند، و از زوالش بیمناکند. آنان بندگان مردمند، و متوکل به دیگران، و خوف و رجایشان بمخلوق است. آنان بهشت را نیز می پرستند! و به نعمت های آن دل بسته اند، اما بخدا امید ندارند. آنان بواقع با این اعمالشان خواهان آتش دوزخند، و از آن بیمناک هم هستند، اما از خالق جهنم، آتش آن نمی هراسند.

خلق چیست؟ جنت کدام است؟ آتش دوزخ چه اعتباری دارد؟ هر چه غیر از ذات خداست، قابل توجه نیست. خدای عزوجل خود می فرماید: «وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً» آنانکه خدارا بحق شناخته اند، جز او دیگری را بندگی نمی کنند، پرستش و عبادت را خاص ذات اومی دانند، اجرای او امرش را، دارا بودن محبتش را وجه همت خود قرار میدهند، غیر او را ترک کرده و فقط به او می پیوندند. اما شما، شما صورتهای بجنانبید، شما ظاهرید و قوم - راستان - بلحاظ ایمان و شمایل، دنباله روان انبیا، از بقایای غذای ایشان استفاده می کنند، یعنی به علوم آنان عمل می کنند. وراثت انبیاء برایشان ثابت گردیده است. پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»- (دانشمندان و ارثان پیغمبرانند) هرگاه به علم خود عمل کردند به حقیقت و ارثان انبیاء می باشند.

وای برتو! علم بنتهایی سودمند نیست، همچنانکه دعوی بدون شاهد ثابت نمی گردد. علم بدون عمل بی فایده است. پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «يَهْتَفُ الْعِلْمُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا إِنْجَلَّ» (علم به انجام عمل امر می کند، اگر جواب مثبت شنید باقی می ماند، و الا کوچ می کند). برکتش می رود و تنها درس آن باقی می ماند، مغزش می رود و پوستش می ماند. ای ترک کنندگان عمل شما علمی را با فصاحت و بلاغت آن یاد می گیرد، و در برابر آن کمترین عملی ندارید.

هرگاه قلب را از آلودگیها پاک کردید، جوارح و اعضاء نیز پاک می شوند، زیرا قلب سلطان بدن است. هرگاه سلطان پاک بود رعیت نیز پاک خواهند بود. علم نماید، و سرانجام بتوان از آن روغن گرفت. پس اگر پوست دارای مغز نباشد، بیفایده است، و اگر مغز هم روغن نداشته باشد، با آن کاری نمیتوان کرد. پس علم پوست، و عمل مغز، و اخلاص روغن می باشد. حفظ و نگهداری و تدریس علم فاقد عمل چه سودی در برابر دارد؟

ای عالم اگر نفع دنیا و آخرت را می خواهی به علمت عمل نما، آنگاه دیگران را بیاموز. وای توانگر و صاحب مکننت، اگر سود دنیا و آخرت را خواهانی، فقراء و درویشان را با خود برابر بدان. از پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) منقول است:

«الْأَناسُ عِيَالُ اللَّهِ وَأَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ»- (مردم روزی خواران خدایند، محبوب تری مردم نزد خدا کسی است که نسبت به افراد تحت تکلفش سودمند تر باشد).

پاک و منزله است خدای، که یکی رابه دیگری نیازمند گردانیده، و در این کار سری است. ای توانگر از من بگریز، آنچه راکه من باید از تو بگیرم، برای خودت، بزودی رحمت و فضل خداوند شامل حال من خواهد شد، و از تویی نیازم می کند، و حتی ترا نیازمند من می سازد.

حضرت ابراهیم (رحمت خدا بر او باد) هرگاه صب و شکیبائی شخص فقیر و نیازمند راکم می دید، می گفت: بار خدایا وسعت مال دنیا به ما ارزانی دار، امدل ما را از آن بیزار کن، و بر آن راغبمان مگردان که در طلبش دچار هلاکت شویم. بار خدایا در تمام قضا و قدر هایت، الطاف خود را شامل حالمان گردان.

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». آمین